

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی-استرالیا
۱۴ اپریل ۲۰۲۳



داکتر محمد کریم فارغی

یک خاطره

سال ۲۰۰۲ بود دفتر ما هنوز در پشاور بود، طالبان سقوط نموده بودند و اوضاع پیچیده بود. نمایندهٔ دونر ما Caritas خانم "یشم" المانی، از اسلام آباد تماس گرفت و گفت بعد از ظهر همراه تان ملاقات خواهم داشت. ساعت یک بعد از ظهر به دفتر آمد، خانم میانه سال و اندک وزین و موی زرد. باهم معرفی شدیم، وقتی او نام خود را "یشم" معرفی کرد داکتر فرید مسؤل دفتر که هم صنفی فاکولته ام است و جوان ذهنی و متینی نیز هست، با تعجب علی الحساب گفت، نام تان فارسی خود تان المانی... او با تعجب گفت، شما مطمئن هستید نام من فارسی است؟ گفتیم "یشم" فارسی است ولی این که آیا شما در کودکی به منطقه ما بودید، یک سوال است. او متحیرانه گفت، شما جوانان چقدر دقیق و باریک بین هستید، بلی من در ترکیه تولد شده ام و پدر من صاحب منصب عسکری المان بود و به اردوی ترکیه آموزش می داد، پدرم شاگردان افغان نیز داشت و از آنها به تعریف یاد می کرد، آیا اینقدر معلومات کافیت؟ گفتیم درست است، نام شما را پدر نظر به همین خوش بینی، فارسی انتخاب نموده است. او خیلی خوشحال شد زیرا تا آن لحظه فکر می کرد نامش یهودی است. "یشم" یک نوع سنگ مرمر یا ماربل است که در مناطق مختلف کشور یافت می شود و مردم ما رنگ سبز کمرنگ را با استناد از آن سنگ، یشمی می گویند. به هر حال خاطره تنها این نبود، خانم "یشم" که طبعش با ما خیلی سازگار گردیده بود، قبل از شروع حرف هایش در حالی که خود را اندکی هیجانی نشان می داد، گفت، می دانید وقتی طیاره من از اسلام آباد به طرف پشاور در پرواز شد، کی را در طیاره در فاصله نزدیک خود دیدم و شوکه شده بودم، ملا ضعیف با همان ریش و لنگوته ترسناکش.... !!! او می خواست تعریف خطرناک بودن بیشتر او را بکند، ولی ما چشم خود را به زمین انداختیم و قسمی نشان دادیم که کمی از خط سرخ عبور کرده است او عاجل متوجه شد و پرسید، آیا من حرف بدی گفتم؟ پس از یک مکث برایش گفتم، ببینید شما از ترسناک بودن ملا ضعیف هیچ چیزی نگفتید بلکه ریش و لنگوته را ترسناک معرفی نمودید مردم ما و به خصوص بزرگان ما همه ریش و لنگوته دارند

ولی خطرناک نیستند.. این فرهنگ اکثر مردم ما است، شاید جهان تاهنوز از کشور و مردم ما شناخت واقعی ندارند، این می تواند خطرناک باشد او نهایت شرمنده شد و تأیید کنان از ما معذرت خواست .

یاد آوری این خاطره از سببی است که می‌خواهم یاد آور شوم که مخالفت ها با طالبان و عده ای از مذهبیبون ما بیشتر بر بنیاد همینگونه دیدگاه سطحی و سلیقه ئی بوده است نه جهان بینی و تفکر شان. واقعات بیست سال استعمار نشان داد که در زیر کلاه پوست و چین نیز تفکر طالبانی ممکن شده می تواند، با درپیشی و نکتائی نیز تعفن اشرار و تفکر طالبانی را می شود احساس کرد، در حالی که اکثراً با لنگوته و ریش شخصیت های پر افتخار ملی و فداکار به شکوه تاریخ ما افزوده اند بیائید در نوشتن و سخن گفتن اندکی عمیق تر شویم و بدانیم که دقیقاً با کدام جلوه و تفکر مشکل داریم

؟؟؟؟ من شخصاً با ریش و لنگوته که مظهر شکوه و صفای اجدادم است، مشکل ندارم بلکه تعفن تفکری مرا رنج می‌دهد که با آن تا درازای تاریخ وطنم را به گند کشیده است.....